



رابطه امامت و توحید در حدیث سلسله الذهب

معنای روایت سلسله الذهب آن است که وصول به مقام توحید که از آن به «لا اله الا الله» تعبیر شده، انسان را در مصونیت وارد می‌کند و وصول به این مقام بدون عبور از ولایت که معنای مرآت‌ی خدا است، ممکن نیست.

معنای روایت سلسله الذهب آن است که وصول به مقام توحید که از آن به «لا اله الا الله» تعبیر شده، انسان را در مصونیت وارد می‌کند و وصول به این مقام بدون عبور از ولایت که معنای مرآت‌ی خدا است، ممکن نیست.

به گزارش خبرگزاری مهر، امام رضا(ع) در حدیث سلسله الذهب فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا؛ کلمه «لا اله الا الله» قلعه من است، پس هر که در آن قلعه وارد شود، از عذاب من در امان است و چون کجاوه به راه افتاد، حضرت با صدای بلند فرمود: به شروط کلمه «لا اله الا الله» و من از شروط آن هستم». [۱]

معنای این روایت آن است که وصول به مقام توحید که از آن به «لا اله الا الله» تعبیر شده، انسان را در عصمت و مصونیت وارد می‌کند و وصول به این مقام بدون عبور از ولایت که معنای مرآت‌ی خدا است، ممکن نیست.

برای درک عمیق این مطلب لازم است نکاتی به دقت مورد مطالعه قرار گیرد:

۱. ولایت و ولی بودن خداوند از صفات و اسمای لازمه ذات است که ایجاد، پرورش و اماتة موجودات و... در ظل و سایه این اسم و صفت است.

۲. اگرچه برای واژه ولایت معانی متعددی ذکر شده است، اما دقت در این معانی، ما را به این نتیجه خواهد رساند که همه آنها به یک معنا بر می‌گردند. این معنا عبارت است از این‌که دو چیز و یا بیشتر، به گونه‌ای باشند که بین آنها هیچ‌گونه حجاب، مانع، فاصله و جدایی نباشد. به عبارت دیگر؛ به مقام یگانگی بین بنده و پروردگار، حبیب و محبوب، عاشق و معشوق که جدائی در آن نیست، ولایت گفته می‌شود. پس اگر گفته شد: ولایت از آن خدا است، معیت خداوند با همه موجودات مراد است. و اگر گفته شد: انسانی به مقام ولایت رسیده، به این معنا است که در مراحل سیر و سلوک و شهود الهی، به مرحله‌ای رسیده که هیچ یک از حجب نفسانیه، بین او و حضرت حق حایل نیست و به مقام بندگی محضه خداوند، نایل آمده است. دقیقاً به جهت همین نزدیکی و قرابت و وحدت است که به هر یک از مالک و مملوک، و دو نفری که پیمان بسته‌اند، و حبیب و محب، و همسایه و... ولی گفته می‌شود. با این توضیح روشن شد که از لوازم ولایت، مالکیت و سلطنت در تدبیر، تکفل و سرپرستی در امور و وساطت در فیض است. [۲]

۳. لازمه وجود هر موجودی، وجود ولایت است؛ زیرا موجودات، نسبت به ذات مقدس حضرت حق، ربط محض هستند. پس ولایت در همه موجودات وجود دارد، اما به حسب سعه و ضیق موجودات، آثار ولایت در آنها متفاوت است؛ یعنی آنانی که از سعه وجودی بیشتری برخوردارند، از ولایت بیشتری نیز بهره می‌برند. پس هر موجودی البته به حسب سعه و ضیق هویت وجودی خود، مظهر این اسم است. از این رو، «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ؛ اولین مخلوق» که حجاب اقرب و نزدیک‌ترین موجود از نظر قرب به ساحت اقدس کبریایی است، از ولایت مطلقه، عامه و کلیه الهیه برخوردار است و وجود، روزی، حیات، ممات و... تمام موجودات به افاضه او است.

۴. از این «اول ما خلق الله» به حقیقت محمدیه تعبیر می‌شود. این حقیقت، همان حقیقت پیامبر(ص) و اهل بیت (ع) است. [۳] لذا است که حضرت علی(ع) می‌فرماید: «فَإِنَّا صَتَائِعُ رَبِّنَا وَ النَّاسُ بَعْدُ صَتَائِعُ لَنَا»؛ ما دست پرورده پروردگارمان هستیم، و مردم پس از این، دست پرورده ما هستند. [۴]

پس استبعادی ندارد که گفته شود: آنان بندگان خدا هستند و مردم بندگان ایشان. [۵] از این جهت است که امام باقر و صادق(ع) فرمودند: «وَلَا بَيْنَنَا وَلَايَةُ اللَّهِ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا»؛ ولایت ما ولایت خداوند است که تمام انبیاء با آن ولایت مبعوث شده‌اند. [۶] روشن است که مراد از این عبارت وجود جسمانی و تاریخی امامان نیست. پس می‌توان گفت که مقام ولایت کلیّه ائمه معصومین(ع) با ذات اقدس خداوندی، وحدت و هوهویت دارد. [۷]

۵. روشن است که ولایت کلیه، در خداوند ذاتی است و در غیر او عَرَضی؛ یعنی «اول ما خلق الله» در عین آن که از همه

موجودات عالم، پرورنده‌تر، و قادرتر است، باز از خود چیزی را ندارد و تنها آیینیه است، آیینیه تمام نمایی که ذات و صفات جمال و جلال حق تعالی را نشان می‌دهد.

۶. همان گونه که بیان شد آدمی در طریق کمال و قوس صعود، می‌تواند موانع پیش‌رو را به کناری نهد و از جمیع انیات و تعینات و تعلقات مادی و حتی معنوی، [۸] جدا و ذوب در حضرت احدیت شود و به مقام فنا دست یابد. در چنین حالتی خویشتن خویش را فراموش نموده محو جمال معشوق گشته و به هر چه که می‌نگرد فقط او را ببیند و بس، و تا آن‌جا پیش رود که دوئیت را برداشته و به مقام هوهویت برسد و آیینیه تمام نمای حق تعالی شود. [۹]

بیا و هستی حافظ ز پیش او بردار که با وجود تو کس نشنود ز من که منم سید حیدر آملی (ره) با اشاره به این نکته که این مقام با فنا قابل دست‌یابی است، این سخن امیر المؤمنین (ع): «أنا وجه الله، و أنا جنب الله، و أنا يد الله، و أنا آية الله. أنا الأول، أنا الآخر، أنا الظاهر، أنا الباطن» را ناظر به همین مقام می‌داند. [۱۰] و این یعنی تجلی کامل خداوند در مظهری (محل ظهور و بروز) کامل و دست‌یابی به ولایت کلیه الاهییه از سوی اهل بیت (ع).

۷. این هوهویت یعنی عینیت توحید و ولایت. به عبارت دیگر، توحید همان معنای مرآتی و آیتی حجاب اقرب است و ورود به چنین عالمی، مشروط به عبور از ولایت است؛ یعنی کسی در ناحیه صعود به معرفت و قرب ذات اقدس حق تعالی نمی‌رسد، مگر از این آیینیه و آیت بزرگ، زیرا نور و تشعشع این خورشید، دیده هر بیننده را کور می‌کند و نمی‌توان بدون آیینیه و حجاب، جمالش را مشاهده کرد. [۱۱] پس توحید عین ولایت و ولایت عین توحید است و این دو از هم‌دیگر جدایی ندارند. [۱۲]

امام خمینی (ره) در باره سرّ نوشتن کلمات «لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی امیرالمؤمنین» بر همه موجودات از عرش اعلا تا منتهای ارضین می‌گوید: شیخ عارف شاه آبادی (دام‌ظله) می‌فرمود که شهادت به ولایت در شهادت به رسالت نهفته است؛ زیرا که ولایت، باطن رسالت است و نویسنده گوید که در شهادت به الوهیت شهادتین منطوی است جمعاً و در شهادت به رسالت آن دو شهادت نیز منطوی است، چنانچه در شهادت به ولایت آن دو شهادت دیگر منطوی است. [۱۳]

همو در جایی دیگر می‌فرماید: موجودات به واسطه انسان رجوع به حق کنند، بلکه مرجع و معاد آنها به انسان است... و این که در آیه شریفه، حق می‌فرماید: «انّ الینا ایابهم ثمّ انّ علینا حسابهم» [۱۴] و در زیارت جامعه می‌فرماید: «و ایاب الخلق إلیکم و حسابهم علیکم»، سرّی از اسرار توحید، و اشاره به آن است که رجوع به انسان کامل رجوع إلی الله است؛ زیرا که انسان کامل فانی مطلق و باقی به بقاء الله است و از خود تعین و اثیت و انانیتی ندارد، بلکه خود از اسمای حسنای و اسم اعظم است. [۱۵]

بر اهل دقت پوشیده نیست که معنای سخنان ما انکار مخلوق یا انسان بودن اهل‌بیت (ع) نیست، و نیز در صدد بیان این عقیده باطل نیستیم که خداوند در آنها حلول کرده است، [۱۶] بلکه ما اگرچه آنان را مخلوقی مانند سایر مخلوقات می‌دانیم، اما معتقدیم که خودیت از آنان رخت بر بسته بود و به بالاترین مرحله فنا و مقام ولایت نایل آمدند. [۱۷] روشن است که به هر مقدار خودیت مستهلک شود، خدا حضور می‌یابد و انسان به همان میزان آیینیه تمام نمای حق تعالی خواهد شد. با توضیحاتی که ارائه کردیم روشن شد که ولایت و توحید وحدت دارند و با عشق به ولایت است که می‌توان به توحید رسید. لذا ما بر این باوریم که برای درک و شناخت هریک از صفات الاهی راهی جز شناخت و ارتباط با معصومان (ع) وجود ندارد؛ مثلاً برای شناخت این نکته که آیا خداوند نسبت به کاری که انجام می‌دهیم رضایت دارد یا نه، راهی نداریم جز این‌که رضایت یا عدم رضایت اهل‌بیت (ع) را به دست آوریم. [۱۸]

پانوشته؛

[۱]. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۷؛ همو، معانی‌الآخبار، ص ۳۷۰ و ۳۷۱؛ همو، التوحید، ص ۲۴ و ۲۵؛ شیخ طوسی، امالی، ج ۲، ص ۲۰۱.

[۲]. در این باره، نک: حسینی طهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی، ج ۵، ص ۳۳-۱۰.

[۳]. بر این اساس رسول خدا (ص) فرمود: «أول ما خلق الله نوری» که نوع انسانی بلکه جمیع مخلوقات از این نور (که عقل اول است و روح محمدی است و نفس واحده است و آدم نشئه اول دار وجود است) آفریده شدند، و نیز فرمود: «كنت نبیاً و آدم بین الماء و الطین» (وقتی آدم بین آب و گل بود من پیغمبر بودم)؛ یعنی عقل اول که روح محمدیه است و او را در همه عوالم مظهر است و هر موجودی از او فیض می‌گیرد. پس آدم از عقل اول یعنی از حقیقت محمدیه فیض وجود گرفت. در این باره، نک: قیصری، محمد داوود، شرح فصوص الحکم، به کوشش: سید جلال الدین آشتیانی، پیشگفتار، ص ۵۷-۵۵؛ حسن‌زاده آملی، حسن، مدد الهمم در شرح فصوص الحکم، ص ۶۴ و ۶۵.

[۴] . نهج البلاغة، نامه ۲۸، ص ۳۸۶.

[۵] . ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغة، ج ۱۵، ص ۱۹۴.

[۶] . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۷؛ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۷۵.

[۷] . ملاقات مرحوم علامه حسینی طهرانی و هاشم حداد با مرحومه بانو اصفهانی و پرسش از مقام هووویت، خواندنی است که خواننده محترم را به: حسینی طهرانی، سید محمد حسین، روح مجرد، ص ۲۹۴، ارجاع می‌دهیم.

[۹] . برای آگاهی بیشتر از این مقام، نک: المقدمات من نص النصوص، ص ۴۶.

[۱۰] . نک: جامع الأسرار و منبع الانوار، ص ۳۶۴-۳۶۷ و ۳۸۰.

[۱۱] . نک: شیخ محمود شبستری در گلشن راز، ص ۱۲-۱۴.

[۱۲] . در این باره، نک: نوری، علی، التعليقات على مفاتيح الغيب، ص ۷۴۲؛ قمشاهی، آقا محمدرضا، مجموعه آثار حکیم صهبا، ص ۱۱۱-۱۵؛ حسینی طهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی، ج ۵، ص ۱۲۵-۱۴.

[۱۳] . نک: امام خمینی، آداب الصلوة، ص ۱۴۱.

[۱۴] . غاشیه، ۲۵

[۱۵] . امام خمینی، آداب الصلوة، ص ۲۶۳؛ برای آگاهی بیشتر، نک: میرداماد، قیسات، ص ۳۹۷.

[۱۶] . گفتنی است که غلات، پیامبر(ص) و ائمه(ع) را خدا می‌دانستند با این توجیه که: ذات خداوند در بدن جسمانی پیغمبر و یا امام حلول می‌کند و با آنان متحد می‌شود و در این حال، طبیعت آدمی به شکل طبیعت الهی در می‌آید. نک: مشکور، جواد، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۴۵.

اما آنچه ما بدان اشاره کردیم بحث تجلی است و فرق بین تجلی و بین حلول و اتحاد، در آن است که «اتحاد» عبارت است از: یک چیز شدن دو چیز و «حلول» یعنی وارد شدن چیزی در چیز دیگر. پس تحقق دو عنوان فوق، فرع بر تحقق دو امر در ابتدا است، اما تجلی، مبتنی بر وحدت شخصی وجود و انحصار آن در وجود حق تعالی است که به ربط محض، آیت و نمود بودن ماسوی الله، معتقد است. براین اساس؛ اساساً زمینه‌ای برای حلول یا اتحاد، وجود ندارد. برای آگاهی بیشتر، نک: رحیمیان، سعید، تجلی و ظهور در عرفان نظری، ص ۴۶ و ۴۷.

صدر المتألهین در این مورد چنین می‌گوید: برخی از جهله پنداشته‌اند که ذات احدیتی که در زبان عرفا به مقام احدیت و غیبت احدیت متصف شده، تحقق بالفعل و مجرد از مظاهر و مجالی ندارد، بلکه آنچه متحقق است، عالم صورت و قوای روحانی و حس آن است و حق تعالی نیز همان مظاهر است و به عبارتی، مجموع عالم و حقیقت انسان کبیر است. این قول کفر فضاحت باری است و نسبت دادن این قول به بزرگان از صوفیه افترای صرف است. ملاصدرا شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۲، ص ۳۴۱.

[۱۷] . حضرت علی(ع) در بیان خصوصیات اهل بیت می‌فرماید: «وَلَهُمْ حَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ»؛ ویژگی‌های ولایت از آن آل محمد است. نهج البلاغة، خطبه ۲. برای آگاهی بیشتر از مقام ولایت اهل بیت(ع)، نک: ترخان، قاسم، نگرشی عرفانی، فلسفی و کلامی به: شخصیت و قیام امام حسین(ع)، ص ۱۰۸-۱۴۲، چاپ اول، انتشارات چلچراغ، ۱۳۸۸ ه. ش.

[۱۸] . برای آگاهی بیشتر، نک: ترخان، قاسم، مهر ماه، ۱۴۸-۱۶۱، چاپ اول، انتشارات چلچراغ، ۱۳۸۹ ه. ش.

تذکر: در تهیه این مقاله از نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری استفاده شده است. بر این اساس؛ به کتابنامه های این نرم افزارها مراجعه شود.

.....

منبع: اسلام کوئست